



فهرست مطالب

۲	..... وجوب مقدمه
۲	..... نظر چهارم نظر صاحب فصول
۲	..... استدلال چهارم
۳	..... نظر مرحوم آخوند در این زمینه
۳	..... تفاوت دو نظر
۳	..... نظر صحیح
۳	..... اشکال اول
۴	..... جواب
۴	..... اشکال دوم
۴	..... استدلال پنجم
۴	..... اشکال
۴	..... جواب



بسم الله الرحمن الرحيم

## وجوب مقدمه

### نظر چهارم نظر صاحب فصول

بحث ما در نظریه چهارم بود که مرحوم صاحب فصول هم مبدع این نظر بودند و برای اولین بار در تاریخ علم اصول این را مطرح کردند و در باب مقدمه این قول را ابداع کردند و فرمودند مقدمه واجب، فقط همان مقدمه‌ای است که موصله باشد و ما را به مقصد برساند، اما اگر مقدمه‌ای باشد که در مسیر آن تحقق مقصد نگیرد ارزشی ندارد. گفتیم در اینجا دو نظریه هست بلکه می‌توان گفت سه نظریه وجود دارد.

۱ - نظریه‌ای که می‌گوید مطلق مقدمه واجب است مثل؛ مرحوم آخوند

۲ - نظریه‌ای که می‌گوید مقدمه موصله واجب است مثل؛ صاحب فصول آقای خوئی و آقای وحید و امام رضوان الله تعالی

۳ - نظریه سوم که مرحوم آقا ضیاء عراقی، نائینی، شیخ عبدالکریم حائری نظریه بینابین دارند که می‌فرمایند مقدمه واجب است حین الایصال، نه مشروط به ایصال که باید بحث شود آن‌ها می‌گویند قضیه حینیه است که باید در مورد این قضیه بحث شود.

بنابراین قید ایصال یا به نحو شرط است که نظر غالب است یا به نحو قضیه حینیه که طرفداران معتنا بهی دارند. قبلاً چند استدلال بیان کردیم و اینک ادامه آن.

### استدلال چهارم

عقل به ملازمه بین طلب شیء و طلب مقدماتی که ملازم با شیء باشد حکم می‌کند، وقتی عقل می‌گوید بین شیء و وجوب مقدمه ملازمه است، می‌گوید طلب این آب یا حج، ملازم است با طلب مقدماتی که ملازم با ذی المقدمه باشد و ایشان می‌گویند این حکم عقلی مستقل است و این ملازمه روی طلب ذی المقدمه و طلب مقدمه‌ای که برای ذی المقدمه لازم و موصل به ذی المقدمه است و بیش از این عقل، این ملازمه را نمی‌فهمد بلکه آنچه عقل حکم می‌کند طلب ذی المقدمه و مقدمه موصل است.



## نظر مرحوم آخوند در این زمینه

مرحوم آخوند می‌فرماید: ملاک ملازمه بین طلب ذی المقدمه و طلب مقدمه چیست؟ ملاک این که می‌گویید مقدمه هم لازم و مطلوب است، ملاک این که مقدمه را طلب می‌کند باید پیدا کرد. ایشان می‌فرماید ملاک طلب مقدمه، تمکن از اِتیان به واجب است و تمکن از وصول به واجب است، نه وصول به واجب به چه دلیل مولی این فعل را می‌خواهد؟ مرحوم آخوند می‌فرماید؛ برای این که متمکن از اِتیان به ذی المقدمه بشود، نه برای این که به ذی المقدمه برسد، این نکته مهم است و همین نکته است که مرحوم آخوند را از دیگران متمایز می‌کند، ملاک این است که مقدمه را به ذی المقدمه برساند؟ یا بتواند به ذی المقدمه برسد؟ مرحوم آخوند می‌فرماید ملاک این است که بتواند ذی المقدمه را اِتیان کند، مثلاً اگر این آب را نیاورد یا وضو نگیرد امکان نماز خواندن یا آب خوردن و وضو گرفتن نیست، بنابراین تمکن از اِتیان به ذی المقدمه در ذات مقدمه است و بیش از این در حکم عقل نیست. این نظر آخوند است پس هدف و فلسفه و سرّ وجوب مقدمه که عقل به آن قضاوت می‌کند و شرع هم تأیید می‌کند و سرّ این که مقدمه را می‌خواهد، این است که بتواند ذی المقدمه را بیاورد، نه این که به ذی المقدمه برسد و این تفاوت صاحب کفایه و صاحب فصول است.

## تفاوت دو نظر

صاحب فصول می‌فرماید سرّ خواستن مقدمه و خواهش غیری مولی که روی مقدمه آمده است ناشی از ذی المقدمه است برای وصول و تحقق ذی المقدمه؛ صاحب کفایه می‌فرماید برای تمکن از اِتیان به ذی المقدمه (لاتیان ذی المقدمه) که نظر صاحب فصول است و (لتمکن اِتیان ذی المقدمه) که نظر صاحب کفایه است. صاحب فصول می‌فرماید طلب مقدمه برای حصول ذی المقدمه است، یعنی آنچه می‌خواهد مقدمه موصله است و صاحب کفایه می‌فرماید آنچه عقل بر آن مستقل است برای تمکن از اِتیان به ذی المقدمه است.

## نظر صحیح

معمولاً اکثریت به نفع صاحب فصول داوری کردند و به نظر می‌آید می‌شود از فرمایش صاحب کفایه جواب داد برای این که ما نفی نمی‌کنیم مقدمه را می‌خواهد برای این که متمکن از اِتیان ذی المقدمه بشود، منتهی همین تمکن از اِتیان به ذی المقدمه برای رسیدن به ذی المقدمه هست.

## اشکال اول



اولین اشکال را به صاحب کفایه آقای خوئی دارند که می‌فرمایند این توانایی نمی‌تواند ملاک مقدمه باشد، برای اینکه تمکن و قدرت قبل از ذی‌المقدمه هم هست و این تمکن قبل از اتیان به ذی‌المقدمه وجود دارد.

### جواب

این است که تمکن مراتب دارد، تمکن قبل از ذی‌المقدمه بعید است و تمکن بعد از اتیان ذی‌المقدمه قریب است و این می‌تواند ملاک باشد و این فرمایش آقای خوئی صحیح نیست.

### اشکال دوم

اشکال دقیق تر است این است که تمکن یک نوع مقدمه است و این تمکن برای حصول ذی‌المقدمه است مولى می‌خواهد تمکن کامل به اتیان ذی‌المقدمه صورت بگیرد که در نتیجه آن ذی‌المقدمه باید حاصل شود و الا این مقدمه ارزش ندارد و هدف رسیدن به ذی‌المقدمه است و در حکم عقل، حیثیات تعلیلیه، به حیثیات تقییدیّه برمی‌گردد.

### استدلال پنجم

صاحب فصول می‌فرماید: الْعَقْلُ لَا يَأْبَى عَنْ تَصْرِيحٍ لِأَمْرِ بَعْدَ إِرَادَةِ غَيْرِ الْمُقَدَّمَةِ الْمُوصِلَةِ، اگر مولا تصریح کند و بفرماید مقدماتی که مقصد به دنبالش محقق نشود نمی‌خواهم، در این نکته قبحی نیست و این مطلب جایزی است این نشان می‌دهد که آن ملازمه روی مقدمه موصله و ذی‌المقدمه آمده است و الا اگر در غیر موصله عقل می‌گفت این طلب آن‌هم هست در این صورت باید این امر قبیح باشد.

### اشکال

مرحوم آخوند اشکال کردند که غرض از مقدمه، تمکن است و به بحث قبلی پافشاری می‌کنند و می‌فرمایند اگر غرض از مقدمه تمکن است، عرف می‌گوید این سخن گزافی است.

### جواب

این اشکال هم پاسخ داده شده مثل آقای خوئی که می‌فرمایند به نظر ما تمکن ملاک نیست بلکه وصول به ذی‌المقدمه است. اگر بحث به این صورت باشد که بحث جدیدی نیست بلکه یک بحث مبنایی است. ولی به نظر می‌آید نباید تمکن ملاک باشد، صاحب فصول می‌فرمایند در ذهن عرفی، اگر مولى بفرماید من مقدمه غیر موصله را نمی‌خواهم آیا این قبیح است یا نه اگر قبیح نیست معلوم می‌شود که ملاک تمکن نیست بلکه همان وصول است. درواقع کلام صاحب



فصول چیزی غیر از این است و اصلاً مبنا تمکن نیست ایشان می‌فرمایند: ما یک نشانه‌ای از ارتکاز عقلایی را می‌گیریم و با این تمکن و یا حصول را أخذ می‌کنیم و با قطع نظر از بحث‌های مبنایی می‌بینیم اشکالی ندارد که مولی این‌گونه امر کند و کسی هم نمی‌گوید زشت است و معلوم می‌شود که فلسفه اصلی همان وصول است نه اِتیان به ذی‌المقدمه.